

ضرب المثل منووخ

از بدعت‌هایی که از دامان اساتید تربیت ابدان و معلمین ورزش و اوزان آمده؛ مثلی است که از بنیان غلط است و توگویی ابتدا هذیان بوده است. و آن این مثل است که در مردمان رایج گردیده و گویند: «عقل سالم در بدن سالم است». آیا این افراد ندیده‌اند بدن روی فرم و بطون شش‌گانه و سیکس‌پک ساحزنا و جادوگژنا علی کریمی را؟ آیا با این تفاسیر در صحت تن و جان وی شک و تردیدی باقی است؟

لیکن از همو به کرات نقل گردیده که: «ایها الناس شما را به گل‌هایی که زده‌ام، رأی مدهید.» و این خود به وضوح ناقض مثل مذکور است. خصوصاً که در نص کلام به گل زدن و استعمال دخان اشاره کرده است. چرا که اگر رأی به منتخب خویش ندهی، به ناچار باید از منتخب این و آن پیروی نمایی. البته این بهتر است که تنها ذوی‌العقول به رأی دادن همت گمارند و آنان که بهره از هوش نازل‌تر از موش دارند به ورزش خود پردازند.

دیگر دلیل بر رد مدعای این ضرب‌المثل لات و اوباشی‌ست که سام رجبی نام دارد. در نشنیدن نام و نشان وی عجب نیست که مدتی که در ایران به ورزش جودو اشتغال داشت، چیزی نشد. تا این که به دوپینگ روی آورد. آن‌گاه باز هم هیچ نگردید. سپس به ایالات متحده گریخت و بالاخره در آنجا چیزی شد. و آن چیز، چیزی نبود جز مجنون. پس راهی تیمارستانش نمودند. اما چون سخن وی در رثای رأی ندادن را شنیدند، وی را در دامان طبیعت فضای مجازی رها نمودند.

آری. این از عقول ناقص که دیدید چگونه در ابدان سالم نهفته بودند. اما بشنوید از استفن هاوکینگ که چندی پیش به همت مردم شتافت. وی را با این که خللی نبود که در تن نداشته باشد، کتب بسیار است و دانشی در نظر. اگر با وجود عقیده‌ی فاسد وی را صاحب عقل سلیم بدانیم، چنان ضرب المثل عقل سالم در بدن سالم است را نقض خواهد کرد که گویی سیاه‌چاله‌های کتاب‌های او آن را بلعیده است.

رأی دادیم

یک عمر هم در بیش هم کم رأی دادیم
با جان و دل، در شادی و غم رأی دادیم
این برکت جمهوری اسلامی ماست
افزون‌تر از هر جای عالم رأی دادیم
هرجا که دشمن خواست تا نومید گردیم
همراه هم رفتیم باهم رأی دادیم
رفتیم همراه تمام خانواده
با شور و شوقی خاص، از دم رأی دادیم
رفتیم بنویسیم رأی عمه را، بعد
دزدانه جای عمه اعظم رأی دادیم
تا دشمن ایران و ایرانی بسوزد
با شوق این نام مُعظم رأی دادیم
در جنگ تحمیلی بدون بیمی از مرگ
رفتیم در خط مقدم رأی دادیم
در خبرگان و مجلس و شورا، سه نقطه
این سال‌ها اینگونه درهم رأی دادیم
حتی اگر دلخسته از تحریم بودیم
پای وطن ماندیم، محکم رأی دادیم
با دست‌های پینه‌بسته کار کردیم
وقتی که فرصت شد فراهم رأی دادیم
پای نظام و مکتب خود ایستادیم
تا قامت دشمن شود خم، رأی دادیم
این حق ما در انتخاب سرنوشت است
دنبال این حق مُسلم، رأی دادیم
با مشت پُر سوی ستمگر حمله کردیم
تا دشمن ایران کند رم، رأی دادیم
بچه‌براندازی به من گفتا: نده رأی
رو سوی او با خنده گفتم، رأی دادیم!

فال حافظ

پارازیت در تصمیم‌گیری

یکی از مخاطبان مجله ایران طنز در تماسی به ما اطلاع داد برای شرکت در انتخابات مرد است و از ما درخواست کرد از خواجه حافظ بخوایم برایش فال بگیرد. البته ما از پشت تلفن مخاطب را چپ‌چپ نگاه کردیم ولی متأسفانه متوجه نگاه بد ما نشد و بیشتر برای فال گرفتن اصرار کرد! این شد که با نیت انتخابات نزد لسان‌الغیب رفتیم و با غرولند بیت زیر را خواند و تفسیر کرد.

تا باز چه اندیشه کند رأی صواب
هر ناله و فریاد که کردم نشنیدی

تفسیر: ای صاحب فال! به نظر می‌رسد چند صباحی‌ست که قدرت شنوایی خود را از دست داده‌ای و گرنه بعید است انسان سالم این حجم ناله و فریاد را بشنود و به ناخن شست پایش هم نگیرد. ای دوست‌نما! سرزنش‌ها و نصایح دیگران در تصمیم‌گیری‌ات هم چون پارازیت اختلال ایجاد کرده‌اند و پیوسته تفل‌زدن شما نیز بر زبان اینجانب رو ریخته است و حکیم تجویز اپیلاسیون کرده است. ای متردد! برای بار آخر فریاد که نه بلکه عربده می‌کشم تا در گوش‌ت فرورود و دیگر با نیت‌های تکراری مزاحمت فالی ایجاد نکنی. جای اندیشه و فکر نیست و تردید نداشته باش که درست‌ترین کار زندگی‌ات رأی دادن بوده است. آن صوابی هم که داخل شعر می‌بینی به معنای کار درست است؛ دنبال پاداش نباش که وظیفه‌ات هست. بدرود

